

# جوانان کمونیست ۷۹

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۹ اسفند ۱۳۸۱  
۲۸ فوریه ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!



۸ مارس روز جهانی زن، مثل هر اقدام و حرکت جلی آزادیخواهانه زمانه ما به کارگر و کمونیسم وصل است. (منشاء آن اعتصاب کارگران زن نساجی در آمریکا و پیشنهاد دهنده آن کلارا زتکین چهره شناخته شده جنبش زنان و جنبش کمونیستی کارگری، بود.) چه تلاشهای عیسی که از سوی بورژوازی در همه دنیا نشده تا مگر ۸ مارس را منکر شوند یا آنرا تغییر ماهیت دهند. در ایران از تولد فاطمه زهرا تا ۱۷ دی شاهنشاهی را مقابل ۸ مارس علم کرده اند، اما ۸ مارس قوی تر و قوی تر در برابر همه اینها می ایستد.

جمهوری اسلامی که امروز می بینیم حیات اش را با دستور خمینی برای رعایت حجاب شروع کرد. جنبش زنان با

حساسیت و صراحت به جمهوری اسلامی شاه، روز ۸ مارس بود. اگر حجاب و زن قطعانه نه گفت. روز اولین نه بزرگ به جمهوری اسلامی تظاهرات تاریخی ۱۷ مارس دقیقا نقطه مقابل این رژیم است. اسفند ۵۷، کمتر از یکماه بعد از سرنگونی ۸ مارس را گرامی بداریم.

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد! گزارشی از تهران هومان

سه شنبه ۶ اسفند ادامه تجمع خانواده های زندانیان سیاسی تهران خیابان فاطمی ساعت ۴ تا ۵ و نیم بعد از ظهر، اوایل جمعیت کم بود و بارون میومد، اگر بارون نمیومد جمعیت خیلی بیشتری در آنجا حاضر میشد. هر ۱۰ قدم به

## آخرین محرم؟

بیست و سه چهار سال است که محرم بر ایران حکومت میکند. امسال هم؟ دوست جوانی با دمقی تمام نوشته است که "امسال هم دوباره عید ما را قرار است با محرم خراب کنند." خواننده عزیز حامد راد با طنز نوشته: "جوانها در انتظار حسین پارتی اند." حکومت در وحشت این است که امسال چطور محرم را از گردنه ۸ مارس و چهارشنبه سوری و عید با تلفات کمتر عبور دهد.



مصطفی صابر

## ۸ مارس و انقلاب زنانه



آذر ماجدی  
رئیس سازمان  
آزادی زن

مصطفی صابر: ۸ مارس (روز جهانی زن) امسال در ایران ظاهرا دارد بطور جدی تری طرح میشود. آخرین خبرها چیست؟ ارزیابی شما چیست؟  
آذر ماجدی: دو سه سال است که ۸ مارس بیک واقعه مهم و بیک عرصه مهم مبارزه آزادیخواهانه در ایران بدل شده است. در سال ۱۳۷۹ ما شاهد تظاهرات ها و تجمعات کوچک و بزرگ در گوشه و کنار کشور بودیم. ابتکارات بسیار صفحه ۲



گفتگو با مریم نمازی

## وبلاگ من و مانی

صفحه ۴

## پای صحبت کمونیستها

مصطفی صابر: فکر میکنم شما جوانترین عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری هستید. درست است؟  
مریم نمازی: فکر کنم اینطور باشد. چند سالتان است؟  
- شما چه مدت است که عضو حزب شده اید؟ قبل از آن چه فعالیت های اجتماعی داشتید؟ از کی شروع کردید، در چه عرصه هایی فعال بودید، چه انگیزه هایی داشتید؟  
- من از سال ۱۹۹۵ عضو حزب شدم یعنی الان ۷، ۸ سال است. قبلش صفحه ۳

## اینترنت در پستو؟

صفحه ۳

## مرگ تدریجی نه، انقلاب!

صفحه ۳

## روز جهانی زن، علیه جنگ



ثریا شهابی  
پیام ۸ مارس

هشت مارس، هفدهم اسفند، روز جهانی زن است. در این روز در سرتاسر جهان مخالفین فرودستی زن مراسمی در اعتراض به نابرابری زن و مرد و در دفاع از شان و حرمت انسانی زن برپا می کنند. میلیونها نفر در هزاران مراسم مختلف، تظاهرات، راهپیمایی، اجتماع، سخنرانی، میزکتاب و نمایشگان شرکت می کنند تا مقاومت انسان متمن، در مقابل تعرض هر روزه به حقوق زنان را نشان دهند. زنان، مردم، پیر و جوان، در سراسر جهان به خیابانها می آیند که بگویند: ما نابرابری زن و مرد را نمی خواهیم! صفحه ۳

## جوانان در تدارک ۸ مارس



بهرام ملرعی

جوانان کمونیست در ایران چگونه هشت مارس را برگزار می کنند؟ این سؤال بسیاری از رفقای جوان است. با این فرض که همه ما اهمیت برگزاری هشت مارس، روز جهانی زن، را می دانیم و امکانات عملی، سیاسی و توازن قوا را مورد توجه قرار می دهیم، شروع می کنیم. صفحه ۲

## تهاجم فرهنگی؟ تهاجم کدام فرهنگ؟

جمعه ۲۵ بهمن، روز ولنتاین (عید عشاق) در ایران با حمله اوياش اسلامی به چندین مغازه که کارت پستال ها و هدایای ویژه این روز ابراز عشق را میفروختند همراه بود. (البته حجه السلام زم پیشنهاد کرده روز ازدواج فاطمه و علی، جمعه سوم محرم، روز عشاق اعلام شود!) گرامیداشت روز ولنتاین در ایران تحت حاکمیت اسلامی نشانه ای از ابراز انزجار به اسلامیت جامعه و دهن کجی به رژیم حاکم و تمایل به سکولاریسم و فرهنگ غربی در جامعه است. دلیل عصبانیت و آشفتنگی جمهوری اسلامی البته کاملا روشن است، اما تمایل مردم ایران به فرهنگ غربی هنوز مورد مناقشه است. تمایل به کدام فرهنگ غربی؟ فرهنگ بوش و بلر یا فرهنگ آزادی خواهی و انسان دوستی کارل مارکس و پرولتاریای سوسیالیست؟ فرهنگ بمب اتم و سیا یا فرهنگ انقلاب کبیر فرانسه، کمون پاریس، انقلاب جنسی، ۸ مارس و اول مه؟ نامه زیر از ایران شاید سرنخی پست دهد:  
"سلام، یک حادثه خلی جالب برام اتفاق افتاد که گفتم احتمالا برای شما هم جالب است. می دونید که دیروز



ولنتاین بود و این عید هم چند سالیه که توی ایران پا گرفته (حالا با جنبه های فرهنگی اش کاری نداریم فعلا).  
جالبه که من دیروز به عنوان هدیه ولنتاین یک سی دی هدیه گرفتم. . . گفتمش اش توی درایو تا ببینم قضیه چیه چون باید قبول کنید ک نوع هدیه تعجب آور بود برام. . . دو بخش میشد. اولی کپی کامل سایت منصور حکمت روی یک سی دی بود با همه سخنرانی ها، فیلم ها، نوشته ها و . . . دومی هم مجموعه ای از نوشته ها، نامه ها و . . . یک عدد از مارکسیست ها مثل مارکس، انگلس، لوگزامبورگ و . . . بیشتر از ۳۰ نفر از مارکسیستهای عمده!

# آزادی، برابری حکومت کارگری!

# ۸ مارس و انقلاب زنانه

جایی در برخی از این تجمعات از طرف شرکت کنندگان بکار برده شده بود. بطور نمونه در سنجیدگان زنان حجاب های خود را بدور انداختند. در مشهد در پارکی دختران جوان رقصی با اسکیت انجام دادند و در این رقص حجاب های خود را از سر برداشتند. امسال هم بنظر میرسد که تدارکات وسیعی در گوشه و کنار کشور برای گرامیداشت این روز در جریان است. شعار نویسی بر روی دیوارها، ارسال کارت بمناسبت ۸ مارس نمونه هایی از این تدارکات است. آنطور که از شواهد برمیآید ما شاهد گرامیداشت گسترده این روز از طرف طرفداران آزادی زن در ایران خواهیم بود.

**مصطفی صابری:** وضع ۸ مارس در سطح جهانی چطور است؟ مشخصا به نظر شما این جنبش عظیم ضد جنگی که اینروزها راه افتاده است، چه تاثیری بر ۸ مارس در سطح جهانی و احتمالا ایران دارد؟

**آذر ماجدی:** امسال مساله یورش آمریکا به عراق بیک مساله مهم سیاسی و اجتماعی جهانی بدل شده است. تکاپویی براف افزوده است که ۸ مارس امسال را به روز اعتراض علیه حمله آمریکا به عراق تبدیل کنیم. بنظر من این حرکتی بسیار درست و انساندوستانه است. تبدیل ۸ مارس امسال به روز اعتراض به قتل قدرتی آمریکا، به یورش آمریکا و دنباله روهایش به عراق، به اعتراض علیه کشتار جمعی در عراق یک حرکت آزادیخواهانه و بشردوستانه است. در ایران نیز محکوم کردن حمله آمریکا به عراق کاری بسیار اصولی است ولی بخاطر ویژگی ایران باید توجه داشته باشیم که مساله آزادی زنان و برابری زن و مرد تحت الشعاع اعتراض به جنگ قرار نگیرد. محکوم کردن حمله به عراق باید درکنار خواست آزادی و برابری زنان مطرح شود.

**مصطفی صابری:** فکر میکنید وضعیت جنبش زنان ایران بطور کلی چگونه است؟ آیا با یک انقلاب زنانه روبرو خواهیم بود؟

**آذر ماجدی:** جنبش آزادیخواهی زنان در ایران بسیار گسترده است، ما در ایران با یک جنبش اجتماعی وسیع آزادیخواهی زنان روبرویم. ولی بخاطر شرایط اختناقی که در ایران حاکم است، این جنبش بشکل پراکنده بروز میآید و از رهبری مشخص محروم است. گرایشهای مختلفی که در این جنبش وجود دارند هنوز فرصت و امکان ابراز وجود نیافته اند. آن بخشی از این جنبش که در خارج کشور ابراز وجود میکند، دارای خصوصیات متعین و رهبری مشخص است. در یک شرایط آزاد در ایران ما شاهد شکل گیری مشخص و متمایز این گرایشها خواهیم بود. در یک شرایط آزاد خواهیم دید که عمق و وسعت این جنبش اجتماعی آزادیخواهانه به چه میزان است. سازمان آزادی زنان تلاش میکند که این جنبش را به زیر یک چتر واحد گرد آورد. بنظر من انقلاب آتی در ایران و هر نوع تحولات سیاسی جدی آتی بسیار از این جنبش متأثر خواهد بود. مسائل و خواستههای این جنبش در این انقلاب با صدای رسا اعلام خواهد شد. این انقلاب بناگرمی باید به این مسائل و خواستهها جوابگو باشد. منصور حکمت در سمیناری تحت عنوان: "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود"



زینب زحمتکش

## مرگ تدریجی؟ نه، انقلاب

امید به یک انقلاب عظیم که آزادی و برابری را بر پرچم خود حک کند، قلبها را در ایران به لرزه درآورده است. این امید واهی نیست. مردم شیپورسنگونی جمهوری اسلامی را به صدا درآورده اند. بیست و پنج سال حاکمیت اسلام و بربریت اسلامی وکشتار و خشونت و اختناق و آپارتاید جنسی باید پایان پذیرد. خواست سرنگونی جمهوری اسلامی خواست تمام آزادیخواهان وتمام زنان آزادیخواهی است که بیست و پنج سال تحقیر و سرکوب یکی ازسپاه ترین و ارتجاعی ترین رژیم های این قرن راتحمل کرده اند.

از صفحه ۱

**مصطفی صابری:** چه آینده ای برای سازمان آزادی زن پیش بینی میکنید؟ فکر میکنید کجا باید برود؟

**آذر ماجدی:** تلاش خود من اینست که سازمان آزادی زن به صدای رسای بخش قابل ملاحظه این جنبش آزادیخواه بدل شود. به چتری که جنبش آزادیخواهی زنان را به زیر خود گرد میآورد. خواست قلبی من اینست که سازمان آزادی زن به سازمان تمام زنان آزادیخواه ایران بدل شود، به پرچم این جنبش. ما برای این هدف تلاش میکنیم. بنظم قابل حصول است.

**مصطفی صابری:** تا همین حالا برخوردها با این سازمان چطور بوده است؟

**آذر ماجدی:** سازمان آزادی زن از روز اعلام موجودیت با استقبال بسیار گرمی مواجه شده است. افراد بسیاری از داخل و خارج کشور از ما تقاضای عضویت کرده اند. بما تبریک گفته اند، خواهان تماس با ما شده اند. نشریه آزادی زن برای افراد بسیاری ارسال میشود. امیلواریم که این استقبال هر چه گسترده تر شود و ما بتوانیم محل تجمع و اعتراض تمامی زنان آزادیخواه ایران باشیم.

**مصطفی صابری:** به اوضاع مشخص جاری برگردیم، فراخوان شما برای ۸ مارس امسال چیست؟

**آذر ماجدی:** این روز را باید به هر شکل ممکن گرامیداشت. از میتینگ های بزرگ تا تظاهرات کوچک، از تظاهرات های وسیع، تا راه پیمایی های کوچکتر. باید تلاش کنیم حتی برای یک مدت کوتاه هم که شد بی حجاب بیرون بیایم و یا در تظاهرات هایمان حجاب را از سر برداریم. سوزاندن حجاب بعنوان یک امر سمبلیک یک کار بسیار جالب خواهد بود. شکستن آپارتاید جنسی و زیر پا گذاشتن این قانون ارتجاعی یک وجه مهم دیگر این فعالیت هاست. نباید بگذاریم که این روز آرام و بی سر و صدا بگذرد. باید مهر آزادیخواهی زنان را در این روز بر جامعه بکوبیم.

خواست برابری کامل زن و مرد، خواست آزادی بی قید و شرط و کامل زنان، خواست لغو حجاب اجباری، خواست کوتاه شدن دست مذهب از زندگی زنان، خواست جدایی دین از دولت، خواست حق تعیین سرنوشت زنان بدست خود، خواست سرپرستی اطفال و بسیاری خواستههای دیگر که بیانگر برابری زن و مرد در یک جامعه آزاد و برابر و سکولار است باید در صدر خواستههای جنبش مردم علیه جمهوری اسلامی حک شود. زنان به هیچ وجه و به خاطر هیچگونه مصلحتی نباید از این خواستها عقب بنشینند چرا که حقوق زن جهان شمول است.

من هم به عنوان دختری که از تمامی این مناسبات فرارکرده، ضد اسلام و ضد نظام جمهوری اسلامی هستم و به عنوان یک مبارز علیه جمهوری اسلامی به فعالیت ادامه میدهم. من برعلیه آپارتاید جنسی هستم و تا زمانی که زنده ام یک فعال سیاسی خواهم بود. به این دلیل که فکرمیکنم مبارزه نکردن من یعنی تأیید جمهوری اسلامی و این یعنی نفی خودمن و نفی زن بودن من، چرا که جمهوری اسلامی درمورد خصوصیتین و فردی ترین موارد شخصی انسانها تصمیم

از صفحه ۱

## در تدارک ۸ مارس

باید هشت مارس را بزرگ، وسیع برگزار کرد و در عین حال از امکانات عملی واقعی حرکت کرد. باید چهره همه شهر ها را در این روز عوض کرد.

**قبل از ۸ مارس**

- \* باید از هر طریق ممکن، تلفن، ای میل، تماس حضوری، ارسال نامه و ... به همه خبر داد که هشت مارس نزدیک است و باید کاری کرد.
- \* در تهران چه خبر! قرار است در پارک لاله مراسمی برگزار. تدارک و شرکت وسیع در این مراسم یکی از قدم های مهم است. باید به همه خبر داد که در گرامیداشت ۸ مارس شرکت کنند.
- سعی کرد امکان سخنرانی گرفت. خبردار شدن از برنامه های دیگر در سطح شهر، تدارک شرکت در آنها و تقویت آنها و رادیکال کردن آنها مهم است.
- \* هرکجا که هستیم و به هرشکلی هشت مارس را معرفی کنیم. با نوشتن شعار های سازمان جوانان، که در پائین به آنها اشاره می کنم، در اماکن عمومی و مراکز عبور و مرور این روز را تبلیغ کنیم و توقعات بالا در مورد حقوق زنان را به همگان بشناسانیم. با نوشتن تراکت و پخش و چسپاندن آن همه جا را تحت تاثیر این روز و حقوق انکار ناپذیر زنان قرار دهیم. نوشتن و نصب پلاکاردها در برخی مراکز و خیابانها در صورتی که امکانش باشد را در دستور خود قرار دهیم.
- \* پخش وسیع کارت های حزب کمونیست کارگری ایران، به مناسبت هشت مارس امسال. در صورت امکان پست آنها! دردسترس عموم گذاشتن آنها، مثلا در دانشگاهها، سرکلاسها، کتابخانه، کارخانه ها و کافی شاپ ها و کشو میز مدرسه ها و ...
- \* پخش شیرینی و گنجاندن شعارهای ما در جعبه های شیرینی و لای شکلات ها!

**روز هشت مارس**

- \* تجمع و سخنرانی در سالنهای اجتماعات، سخنرانی در باره حقوق زنان، برای لغو حجاب و برای برابری کامل زن و مرد. طرح خواست های مارکسیالیست ما میتواند برای این از برنامه یک دنبای بهتر استفاده کند.
- \* برگزاری مراسم تدارک دیده شده، کوه، جشن، تظاهرات و ...
- \* شرکت در سایر میتینگ های هشت مارس
- \* هشت مارس شبانه است. میتوان از جمعه و با استفاده از تعطیلی و شرکت مردم در تفریحگاهها و پارک و .. کار را شروع کرد.

**شعارها**

- \* زنده باد هشت مارس روز جهانی زن
- \* حقوق زن جهانشمول است
- \* زنده با آزادی، برابری
- \* جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش
- \* نه روسری نه توسری
- \* لغو حجاب اجباری
- \* دست مذهب از زندگی مردم کوتاه
- \* لغو آپارتاید جنسی
- \* مرگ بر رژیم ضد زن

**بعد از مراسم**

- \* ارسال گزارش مراسم ها و در صورت امکان همراه عکس برای ما
- \* تبریک به برگزار کنندگان روز جهانی زن. حفظ ارتباطات، و محکم کردن آن با دوستان جدیدی که در هشت مارس پیدا کرده ایم و جلب آنها به برنامه کمونیست ها برای یک دنیا بهتر.

میگیرد. حال آنکه من هم مثل هر دختری دوست دارم و حق دارم برای بنم برای موهام و برای لباس برای همه علائتم تصمیم بگیرم. درایران پدر و همینطور حکومت جمهوری اسلامی برای دختر تصمیم میگیرند. و تا زمانی که دختر درخانه پدرش زندگی میکند مایلک پدرش است و بعلا از ازدواج هم مایلک شوهرش. درواقع دختر هیچ وقت هويت ندارد و خودش نیست و به حساب نمی آید.

من و هزاران دختر و زن بی پناه دیگر باین دلیل از آن جهنم فرارکرده ایم که نمی خواستیم مثل مادرانمان با مرگ تدریجی زندگیمان را فنا کنیم و با هزار امید و آرزو به کشورهای دیگر پناه آورده ایم ولی باز از چنگال فرهنگ کثیف مذهبی رها نشدیم و باجوابهای دیپورت به بهانه نسبیست فرهنگی مواجه ایم. این وضعیت مبارزه خسته کننده ناپذیری را می طلبد و ما از پای نمی نشینیم و دست در دست یکدیگر برای یک دنیای بهتری جنگیم. به امیدآن روز، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی برابری.

زینب زحمتکش ملاسرای-۲۴ دیماه ۸۱-۱۴ اینواری ۲۰۰۳

از صفحه ۱

## از صفحه ۸ روز جهانی زن، علیه جنگ

جهان و کشتار مردم عراق را بلند کرده است.

برگزاری هشت مارس و مبارزه با بی حقوقی زنان، همیشه امر کمونیست‌های جوان بوده است. در ایران کمونیست‌های جوان امروز پیشاپیش صف مبارزه برای احقاق حقوق زنان حرکت می‌کنند. اوضاع پرظلم جهان، برای جوانان کمونیست و مدافعین حقوق زنان در ایران که با یک رژیم آپارتاید جنسی و یک حکومت قرون وسطایی ضد زن در جنگ‌اند، وظایف متعدد تعیین می‌کند. وظیفه گسترش اعتراض مستقل از دو کمپ تروستی، اعتراض معطوف به حقوق انسانی زنان و اعتراض پیشرو کار کمونیست‌های جوان است. مبارزه با یک حکومت اسلامی در شرف سرنگونی از یک طرف، و اعتراض به حمله آمریکا از طرف دیگر، اعتراض به قلدری نظامی آمریکا و جنگ دروغین‌اش با تروریسم، اعتراض به تروریسم دولتی بوش و بلر و تروریسم اسلامی هم زمان، را کمونیست‌های جوان باید گسترش دهند. در دل این اعتراض مستقل می‌توان مانع مشروعیت دادن رسمی و ضمنی به جریان‌ات تروریسم اسلامی شد. به این طریق می‌توان جنبش عدالتخواهی میلیونی علیه بوش و بلر را تعمیق کرد و جلو برد!

کمونیست‌های ایرانی از همان ابتدای سرکار آمدن حکومت اسلامی ایران، می‌گفتند که نسخه سرکار آمدن خمینی و جریان‌ات اسلامی راه نجات مردم ایران از دیکتاتوری پهلوی نیست! امروز هم نسخه قدرت‌گیری آمریکا در منطقه، راه خلاصی از جهنم حکومت اسلامی نیست! تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی هژاد هم و عصای دست هم دیگر اند! مردم جهان، مردم ایران، زنان در سرتاسر جهان، تنها و تنها با خلاصی از هر دو امکان احقاق حقوق خود را می‌یابند. هشت مارس امسال کمونیست‌های جوان، چه در ایران و چه در خارج کشور، می‌توانند و باید بشیر اعتراضات گسترده در صف ائتلاف جهانی برای عدالت و آزادی باشند! باید با شعارهای زیر غول بیچار شده و به میدان آمده مردم را هدایت کرد:

نه به حمله آمریکا! نه به حکومت اسلامی، نه به حجاب اجباری و سنگسار و آپارتاید جنسی! نه به تروریسم بوش و بلر، نه به تروریسم اسلامی! حجاب‌ها را پرت کنید، بوش و بلر را مرخص کنید! جهان صحنه تاخت و تاز تروریسم آمریکا و تروریسم اسلامی نیست! جهان سرمایه داری دیگر قابل زست نیست! زنده باد آزادی زن! زنده باد سوسیالیسم! ثریا شهابی

۲۶ فوریه ۲۰۰۳ - ۷ اسفند ۱۳۸۱

جلال مردم با اسلام و حکومت‌اش حتی شدیدتر هم باشد.

در پس صف آراییی حول جنگ محرم با چهارشنبه سوری، اتفاقات مهمتری در حال وقوع است. یک دوره فترت نسبی که با مهار و سرکوب اعتراضات آذر ماه شروع شده بود و با اعلام‌های هورزه تلامذ یافته بود، و جنگ آمریکا علیه عراق و امید واهی "آمریکا جبهه‌ای اسلامی را می‌اندازد" آنرا تشدید کرده بود، رو به پایان است. اعتراضات دارد از اینجا و آنجا سر برمی‌آورد. قهرمانان این دوره بی تردید کارگران بودند. هر روز در جایی اعتصاب و تظاهرات بود. اما معلمان نیز اینجا و آنجا در تلاش برای برپایی اعتراضات بودند و اکنون نشانه

## جوانان کمونیست

از صفحه ۸

## گفتگو با مریم نمازی

نجات بین‌المللی، سازمان ملل و کمیته امداد انسانی به پناهندگان ایرانی (که خود تشکیل دادم) کار کرده و فعال بودم. برای مثال دو سال نیز در سودان بودم و برای مدتی با پناهجویان تویبری در آنجا کار کردم. بنظر دلیل اینکه من در زمینهای حقوق انسانی فعال شدم چند جانبه بود. یکی ریشناش خانواده‌گی است. مادرم کسی است که همیشه در سرنوشت افراد دخالت می‌کند و نگرش پدرم بی نهایت عادلانه است. این از همان چپگی خیلی روی من تاثیر گذاشت. مهمتر از هر چیز اما انقلاب ایران بود که مرا همانند یک نسل در آن دوره سیاسی کرد. منظورم از سیاسی شدن لزوما عضویت در یک حزب سیاسی نیست بلکه باز شدن چشمهای افراد در رابطه با سیاست و امکان دخالتگری در سرنوشت انسانها. مسلما ترک زندگی مان در ایران و مشکلات مربوط به جابجایی و مهاجرت تاثیرات خود را نیز داشت.

خب چطور شد که به کمونیسم و مشخصا حزب کمونیست کارگری جلب شدید؟

فکر کنم خیلی وقت بود کمونیست بودم اما راستش نمی‌دانستم کمونیستم تا با منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری آشنا شدم. جالب اینجاست که با حزب نیز از طریق فعالیتهای انسانی‌اش آشنا شدم. در اواخر ۱۹۹۴ از طرف سازمانی که خود تشکیل داده بودم رفتم ترکیه تا ببینم چگونه می‌توانم از پناهجویان آنجا حمایت کنم. آنجا با فدراسیون پناهندگان ایرانی و حزب آشنا شدم. چند روز بعد فعالین فدراسیون و حزب در ترکیه برنامه حزب را برابیم خواندند. وقتی برنامه حزب را شنیدیم می‌شده گفت که برای اولین بار حقیقت و انسان دوستی بدون تخفیف را شنیدیم. این شاید خیلی کلیشه بنظر بیاد ولی حقیقت دارد. خوب می‌دانید در این دنیا حقیقت و انسان دوستی نوع منصور حکمت چقدر بندرت بگوش مردم می‌رسد. می‌توانم بدون اغراق بگویم که شنیدن آن برنامه زندگی مرا در آن روز مشخص در آنکارا زیر و رو کرد. و عملکرد این انسانیت را من در ترکیه با فعالیتهای فدراسیون مشاهده کردم. از آن روز دیگر سرم را برنگرداندم.

آیا راضی هستید؟  
آره و نه. آره بخاطر اینکه زندگی‌ام بطور واقعی با آشنایی با منصور حکمت و این حزب شروع شد. احساس کردم که بالاخره دلایل نابرابری و بی‌عدالتی را می‌فهمم و بهترین راه مقابله با آن را پیدا

های تحركات دانشجویی و همینطور اعتراضات وسیع و مستقیما سیاسی (نظیر تظاهرات در مقابل هتل لاله) دیده میشود. حرکاتی نظیر جشن آدم برفی سندانج پخویی این فضای رشد آمادگی برای اوجگیری اعتراضات توده‌ای را منعکس میکند. نکته جالب توجه این است که در هر دور اوجگیری اعتراضات توده‌ای و وسیع علیه جمهوری اسلامی، هزبار که آتش از زیر خاکستر بیرون می‌آید، می‌بینیم مردم رادیکالتر و چپ‌تر شده‌اند. دوره ای مردم از اصلاحات عبور کردند و آشکارا و علنا سرنگون طلب شدند. اکنون دوره عبور از نیروهای سیاسی است که خواهان سرنگونی از پایین و

کردم. البته بخشی از من همیشه احساس تاسف می‌کند که چرا زودتر با منصور حکمت و این حزب آشنا نشدم. دوست داشتم ۲۰ سال با این جریان می‌بودم. یک بخش دیگرم اما فکر می‌کند که این آشنایی دیررس شاید باعث شده که قدر منصور حکمت و این حزب را خوب بفهمم. مثل یک عشق دیررس که زندگی آدم را تغییر می‌دهد و باعث می‌شود تلاش کنی که هیچوقت از دستش ندی. البته گفتم ناراضی هم هستم. می‌شود و باید خیلی کارهای بزرگ کرد تا زندگی یک نسل از مردم در ایران و جهان را بتوان تغییر داد. منابع زیاد است، اما اگر موفق شویم قرن ۲۱ قرن شروع تاریخ بشریت می‌تواند باشد.

شما بیشتر یک تربیت و سابقه غربی دارید تا ایرانی، من حتی یادم می‌آید که اوائل سختنات بود فارسی را خیلی مسلط صحبت کنید و بنویسید، حالا وضع فارسی تان چطور است؟

خیلی بهتر است اما می‌تواند بهتر هم باشد. بالاخره هر زبانی کار حرفه‌ای می‌خواهد و من درست دنبالش رفتم. آیا با این سابقه و تربیت هیچگاه احساس کردید که در حزب کمونیست کارگری با یک فرهنگ شرقی مواجه‌اید؟ آیا هیچگاه احساس "غریبه" بودن کردید؟

یک دلیل اصلی جذب شدن من به این حزب "غربی" و مدرن بودنش است. خیلی از پیشرفتهای بشریت، مدنیت، مدرنیسم "غربی" و یا نتیجه مبارزات مردم و جنبشها در غرب می‌باشند. همانطور که بارها هم گفتیم، مردم در ایران نیز خیلی بیشتر غربی‌اند تا شرقی! از ایشرو هیچگاه احساس "غریبه" بودن نکردم. درست است تجربیات من با تجربیات خیلی از دیگران در این حزب متفاوت است. اما تجربیات متفاوت غریبگی بوجود نمی‌آوردند، این تفاوت‌های پایانی تر است که نزدیکی و یا احساس غریبگی را بوجود می‌آورند.

من کسی را در حزب سراغ ندارم که به سرعت شما از عضویت حزب به عضویت کمیته مرکزی و دفتر سیاسی رسیده باشد، راز این پیشروی غبطه آمیز شما چیست؟

در یک کلام منصور حکمت. او از روز اول دستم را گرفته است، به من اعتماد به نفس داده، و به من باور داشته است. این کار را البته برای خیلی‌ها کرده است نه فقط من. امیدوارم یک روزی احساس کنم شایسته اعتماد و محبت او بودم. البته ناگفته نماند که در این حزب از بالا تا پایین حمایت‌های زیادی دیدم اما توجه منصور حکمت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی من و به شخص

انقلابی جمهوری اسلامی نیستند. عبور از نیروهایی که از مردم و انقلابشان وحشت دارند و در جستجوی راه حلی از بالای سر مردم هستند. نیروهایی که با کند و گمراه کردن مبارزه مردم، با فرستادن آنها دنبال نخود سیاه "فراندم" یا امید به آمریکا، عملا بر عمر رژیم اسلامی می‌افزایند. شرم این روند به چه چرخیدن قدرت گیری بیش از پیش کمونیسم کارگری و حزب آن است. این تنها حزب کمونیست کارگری است که می‌تواند و می‌خواهد با رادیکالیسم مردم همراه باشد و آنرا رهبری کند. تنها آن جریانیه که هیچ تعلقی به مذهب، سرمایه و استثمار و تبعیض نداشته باشد می‌تواند واقعا آزادیخواه

خودم بی‌سابقه بوده است.  
— بعنوان یک زن چه؟ چه احساسی از فعالیت در حزب کمونیست کارگری داشته‌اید؟  
— برابری طلبی منصور حکمت و این حزب چه در برنامه و چه در پراتیک بیش از حد روشن است و به رشد شخصی و سیاسیام بی‌نیهای کمک کرده است.  
— کمی از مسئولیت‌ها و مشغله‌هایتان بگویید. شما خیلی پرکار هستید، نه؟

— من دبیر دفتر روابط بین‌المللی و عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب، سردبیر «لژسردسق» و نشریه فرهنگی حزب، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، سردبیر همبستگی انگلیسی، و مسئول کمپین علیه اعدام در ایران هستم.

— امیدوارم در فرصت دیگری راجع به کارهایتان صحبت کنیم، اما ۵ سال دیگر خودتان را کجا می‌بینید؟ چه نقشه‌ها و برنامه‌هایی برای آینده دارید؟ فکر می‌کنید انرژی و تلاش‌تان روی چه مسائلی باید متمرکز شود؟

۵ سال دیگر خود را نماینده جمهوری سوسیالیستی در مجامع بین‌المللی می‌بینم یا شاید وزیر یک بخشی از دولت! چند وقت پیش در پارلمان انگلیس بودم و «جرمی کورن» یک نماینده پارلمان داشت در مورد سخنرانی «للسون منلا» در آن پارلمان می‌گفت. «منلا» قبل از سخنرانی‌اش برای چند لحظه به «مارگرت تچر» که قبل از آن طرفدار سرسخت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی سابق بود خیره شد و بعد سخنرانی‌اش را بعنوان نماینده آفریقای جنوبی رها شده از آپارتاید نژادی شروع کرد. این می‌تواند سرنوشت حزب ما باشد. و البته تاثیر ما بر ایران و جهان بیش از تنها نمایندگان ایران بدون آپارتاید جنسی خواهد بود.

جهان را می‌توانیم دگرگون کنیم.  
— برای خوانندگان ما، برای کمونیست‌های جوان، چه پیامی دارید؟ خصوصا اینکه شما جزو اولین افرادی بودید که سازمان جوانان کمونیست را تأسیس کردید.

— بنظر عضویت در سازمان جوانان کمونیست و تلاش هر چه بیشتر برای قابل دسترس کردن منصور حکمت و این سازمان و حزب برای جوانان در ایران امر حیاتی است. جوانان نقش مهمی در تحولات داشته‌اند و فعالیتهای بخش رادیکال و پیشروی آن به ما نزدیکتر باشد، امکان بوجود آوردن یک دنیای بهتر بیشتر خواهد بود.

— با تشکر از وقتتان.  
— با تشکر از شما. برای شما و خوانندگان جوانان کمونیست آرزوی موفقیت می‌کنم.

و برابری طلب باشد. تنها این جریان است که با قطعیت تمام مخالف جمهوری اسلامی است. تنها این جریان است که می‌تواند پرچم‌دار خواستهای مردم و به گور سپردن جمهوری اسلامی باشد. محرم امسال می‌تواند آخرین محرم ایران باشد. میشود سال دیگر این موقعه حکومت مذهبی و حکومت خرافه و ابتلال را برای همیشه به گور سپرده باشیم. اما یک شرط دارد: گرد آمدن چنان نیروی از کارگران، زنان و جوانان حول کمونیسم کارگری و حزب آن که قادر باشد شر رژیم اسلامی را کم کند. محرم است؟ به حکومت اسلامی اعتراض کنید، پته همه خرافات را بر آب بریزید، به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## لینک:



نادر بکتاش

## وبلاگ من و مانی

www.manonani.com

وبلاگ من و مانی توسط خانم فرزاد قاضی زاده نوشته میشود و به مسائل یک نوزاد، اولین بچه خانم فرزاد، می پردازد. در این وبلاگ از افتادن بند ناف نوزاد تا خراش ناخنهای او بر صورتش و از هجوم پشه ها به پوست لطیف بچه تا حیات جنین، با زبانی ساده و دلنشین ارائه میشود.

انسان از همان لحظه شکلگیری نطفه و حیات جنینی اش، انسان است و جامعه باید امکانات مادی و شرایط مادی و شرایط معنوی ضروری را مستقیماً (از طریق خانواده اش) و یا در صورت لزوم غیر مستقیم (از طریق نهادهای مختلف) در اختیار او قرار دهد.

## جنین هم یک انسان است

پنج از تولد مانی گذشت. تو روزهایی که گذشت تمام مدت مشغول انجام کارهایی بودم که همگی برای من "اولین بار" بود. حالا باید پشت سرهم بنویسم که چه اتفاقاتی افتاد.

معمولاً هیچ کس تا قبل از تولد فرزندش هیچ ذهنیتی از اون ندارد. واقعیات موجود با ذهنیات آدم خیلی فرق داره. از لحظه ای که به هوش اومدم دائم میخواستم مانی رو ببینم. در کمتر از دو ساعت بعد از عمل جراحی، در بخش زایمان بیمارستان مهر، خانم پرستار بچه ها، صورت مانی رو روی گونه من چسبوند. تمام درد یادم رفت. نرمی صورت مانی، به یکباره عظمتی از عشق رو وارد قلبم کرد. اصلاً نمی توئم اون رو تصویر کنم. همه چیز یکباره به وجود میاد!

معمولاً یک زن باردار از اولین تکان

دسترسی یابند. (البته در این خبر نیامده بود که آیا خانم ها برای دسترسی به سایت های افراد نامحرم مجاز هستند یا نه؟! اما برای چه ناراحت؟ با خود اندیشیدم که چگونه می شود زنانی را که خود در عرصه های علم و تکنولوژی تا این حد پیشرفت کرده اند، که نیاز به استفاده از اینترنت برایشان ضرورت پیدا کرده را پس پرده ای پنهان کرد و این امکان ملرن را به سبک دولت طالبان در اختیارشان گذاشت؟

زنانی که در طی سالیان گذشته، علی رغم قوانین حکام اسلامی که همیشه سعی کرده اند خانم ها را در گوشه ی خانه بنشانند تا به امر الهی شوهرداری و بچه داری بپردازند، در اکثر جوانب اجتماعی نقش داشته اند و شواهد نشان می دهد که هر جایی که جمهوری اسلامی خاسته زنان را به عقب انداخته و رفتارهای قرون وسطایی بکشاند آنها با جنبش مدرن و امروزی ی خود این حرکت ها را خفه کرده اند. هر چه مبارزه ی زنان در این سال ها افزایش یافته به

های جنین خود حس مادری پیدا میکند. به من گفته بودند که با مانی در شکم خود حرف بزنم و او را نوازش کنم. و من ساعات زیادی را در طول دوره بارداری با مانی حرف زده بودم. زمانی که برای اولین بار مانی رو به اتاقم آوردند، پس از یکبارکه به او شیر دادم، او را داخل تختی که در عکس های زیر می بینید گذاشتند و من که اثرات داروی بیهوشی هنوز در وجودم بود، دائم به خواب میرفتم. وقتی بچه گریه کرد، بلافاصله از خواب پریدم. (این را هم بگویم، صدای مانی بسیار بلند و جیغ هایش گوش خراش بود!) شروع کردم با مانی صحبت کردن. همان حرفهایی که در دوره جنینی بارها گفته بودم: مانی، مامان، عزیزم، چته، چرا اقدر سر و صدا میکنی؟.. مانی بلافاصله ساکت شد و آرام گرفت. البته این نظریه روانشناسی را بنده ابداع نکرده ام! به من گفته بودند که با مانی حرف بزنی تا بعدها به صدایت عادت کند. خواستم بگویم که نظریه قابل اعتمادی است!

## موضوع های پیش پا افتاده یا مسائل اساسی؟

اسرار مانی وارد هفته دوم زندگی خود شد. فکر کنم کم کم دارد بزرگ میشود. هفت سال دیگر به مدرسه

همان اندازه خشونت و استیصال و ضعف در دولت جمهوری اسلامی افزون شده است که بصورت سنگسار و اعدام و ... به فجیع ترین وضع به اجرا درآمده است.

زنان ایران - با وجود فشار های جامعه، همیشه مبارزات منفی خود را علیه قوانین ضد انسانی حکومت نشان داده اند، نشان داده اند که چه بی اعتنا به احکام اجباری اسلام هستند و در تمام عرصه ها همگام با سایر زنان دنیا فعالیت می کنند. این جای خوشحالی دارد که تنها ۳۰ نفر از جمعیت میلیونی زنان ایران، دارای «امکانات اینترنتی بدون حجاب در پستو» شده اند. اما مبارزات زنان مترقی نشان خواهد داد که بزودی جامعه از محاسبات پیش پا افتاده محرم و نامحرم و به عبارتی آپارتاید جنسی جدا خواهد شد. زنان همانگونه که انسان، دلخواهشان است، درخور یک انسان، پوششان را انتخاب خواهند کرد و آنگونه که دلخواهشان است همانند یک انسان آزاد در عرصه های اجتماعی قد علم

میرود، هجده سال دیگر به دانشگاه! روز اول که قصدش را داشتن ویلاگ را پس از ماه ها که قصدش را داشتن شروع کردم، از سینبا علیرغم اصراری که داشت خواستم که به این ویلاگ لینک ندهد. ترسم بیشتر این بود مبادا نوشته های من که میخواستم رو مرز خاطره نویسی و اطلاع رسانی حرکت کند، به نظر دیگران جالب نرسد. اما به هر حال دوستان زیادی لطف کردند و لینک من را در ویلاگ های پر بیننده خود قرار دادند و لاجرم ویلاگ من هم خواننده پیدا کرد. با وجود اینکه اکثر نامه هایی که دریافت میکنم، بسیار دلگرم کننده است اما به هر حال نظرات انتقادی هم وجود دارد. دوست عزیز از کانادا، نامه ای برای من فرستاده و از آنچه در ویلاگم می نویسم انتقاد کرده است. او عقیده دارد که نباید در باره موضوع های پیش پا افتاده مثل تعویض پوشک بچه بنویسم و باید سراغ بحث های اساسی تر بروم. اما راستش را بخواهید در حال حاضر اساسی ترین مساله مانی که من را هم درگیر میکند، عبارتند از: شیرخوردن، خوابیدن، تعویض پوشک و درمان دل درد! البته میدانم که در دنیای بزرگترها مانی من تنها هفت روزه است و احتمالاً تا هفت ماه دیگر هم، مهمترین مسائل او همین ها خواهد بود!

خواهند کرد. تنها مبارزات متشکل و سازمان یافته به این مطلوب جامعه ی عمل خواهد پوشاند و تنها ایدئولوژی مترقی و انسانی که خواهان رفاه انسان ها، آزادی، و برابری بی قید و شرط شان است محور اینگونه مبارزات می باشد. من به عنوان عضوی از سازمان جوانان کمونیست در پایان این تونل سیاه عقب ماندگی ای که جمهوری اسلامی به وجود آورده مشعل درخشانی را می بینم که با برداشت از « برنامه یک دنیای بهتر» با تکیه بر قوانین انسانی که برای زنان قائل است از جمله برابری حقوق زنان و مردان، و ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت این امکان فراهم کرده که زنان با داشتن برنامه ای مشخص به مبارزه برای دستیابی به حقوقشان بپردازند. دور نیست که زنان و مردان ایرانی همان گونه که شایسته شان است در امکانی برابر برای رسیدن به « یک دنیای بهتر» رفاه و آسایش را تجربه کنند. اما یادمان باشد همه ما نقش داریم، همه ی ما مسئولیم.

## گزارشی از تهران

بودن ولی بی سیم زدن به گروه دیگه او، ممن، درگیری شروع شد خیلی عجیب بود نگاه نمیکردن ببینن مرده، زنه و یا بچه اس فقط با باتوم میزدند. اطراف خیابون پر جمعیت بود و ماشین ها به سختی رد میشدند ماشین ها چراغ روشن کرده بودند و بوق میزدند. مردم با هم نیروی انتظامی رو هو میکردند، یه صدای عظیم که همه با هم میگفتند هو. نیروهای انتظامی به هو برگشتند خیلی صحنه ی ترسناکی بود بی سیم زدن و یک گروه جدید سرپاز اومد، این گروه که اومد مردم حریفشان نشدند چون آنها با باتوم برقی میزدند. جمعیت زیادی از مردم در حال حرکت بود و جمعیت زیادی نظامی در حال دویدن به طرف جمعیت. تعدادی را دستگیر کردن و شدت کتک میدن. ۱۰ نفر روی کسی که دستگیر شده بود میریختن خیلی صحنه بلی بود. به صورت آنها اسپری میزدند. مردم در همین حال هم فریاد میزدند که تزئین. در یک مورد نیروهای انتظامی به خانم را از پشت با باتوم زدن، طوری که خورد زمین و افتاد پشت بوته های خیابون و میبیدی که از پشت بوته ها با باتوم بالا و پایین میره. بعد از چند دقیقه مردم ریختن وسط خیابون و راه رو بستن و جالب اینکه مردم رهنگر و ماشین ها هم همکاری میکردند. مردم شعار میدادند " زنلانی سیاسی آزاد باید گردد" بعد مامورا اومدن و حمله کردن. جمعیت متفرق شد چون دیگر وحشی گری آنها به اوج رسیده بود. در مواردی شیشه ماشین پاسداران شکسته میشد و مورد تشویق همه قرار میگرفت. مورد بسیار جالب حضور بسیار زیاد خانم ها بود که اکثریت جمعیت را تشکیل میداد.

## رادیو انترناسیونال

برنامه های رادیو انترناسیونال، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهران پخش میشود.

Payangir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

&amp; +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0044 776 110 66 83

0049 171 15 47 661

0046 736 50 80 40

001 416 69 80 358

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

001- 416 434 15 45

fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرمند  
انگلستان: سرور ملائکه  
آلمان: امید چوری  
سوئد: آزاد خدری  
کانادا: مهدی شهابی  
ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری  
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی  
مشاور دبیر: ثریا شهابی  
آدرس پستی: Jawanan  
Postfach 620 515  
10795 Berlin  
Germany

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: